

گفتمان جغرافیای سیاسی: جنگ و خودزندگی‌نامه‌های زنان عراقی

فریده شهریاری^۱، لیلیا برادران جمیلی^۲

«جنگ و فقه‌های گاه‌وبی‌گاه در وضعیت‌ی نرمال به نام صلح نیست بلکه اقلیمی است که ما در آن زندگی

می‌کنیم» (سامویل هاینس)

چکیده

این مقاله بر رابطه‌ی بین ادبیات و فضا مبتنی است و با مرکزیت‌بخشی به رابطه‌ی زنان و جنگ، برهم‌کنش بین فضا/جغرافیا و ادبیات - خودزندگی‌نامه‌نویسی زنان عراقی - را می‌کاود. رویکرد نظری محوری این نوشتار رویکردی ژئوپلتیکی/سیاست جغرافیایی است با عنوان نقد جغرافیایی^۳ که برتراند وستفال واضع آن است. با این حال تفاسیر رابرت تالی از نقد جغرافیایی، و نیز ایده‌های دوران‌ساز آنری لوفور در تولید فضا^۴ به عنوان پشتوانه‌های نظری برای پژوهش حاضر به شمار می‌روند. هیفا زنگنه و دنیا میخائیل دو خودزندگی‌نامه‌نویسی هستند که این پژوهش بر آن است تا به شیوه‌ای تطبیقی نشان دهد جنگ چه تأثیرات سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی‌ای بر رویکرد ادبی‌شان داشته است. بدین منظور بر رویی بغداد^۵ نوشته‌ی زنگنه و خاطره‌ی موجی بورافتاده از دریا^۶ نوشته‌ی میخائیل تمرکز می‌شود. این مقاله به لحاظ زمانی حوادث سال ۱۹۸۰ تا اولین سال‌های هجوم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را پوشش می‌دهد. خاطره‌نویسان جنگ، اطلاعات‌شان را به شکل نقشه‌پردازیهایی غیرمتعارف سامان می‌دهند که با تبیین و توضیح فضا و زمان‌ها پیش می‌روند. این مقاله با بررسی نظریه‌های ژئوپلتیکی/سیاست جغرافیایی با اتکا بر مفاهیم اصلی رویکرد نقد جغرافیایی - فضازمان‌مندی^۷، تخطی^۸، و ارجاع^۹ - به مقایسه‌ی تطبیقی خودزندگی‌نامه‌های مورد اشاره می‌پردازد. این طور استدلال می‌شود که خودزندگی‌نامه نقش موثری در روایت‌های تاریخی از جنگ عراق ایفا می‌کند. زنان خودزندگی‌نامه‌نویس جنگ اگرچه بی‌تردید تحت تأثیر روایت‌های شخصی هستند اما درجه‌هایی را به سوی جنگ می‌کشایند که فقط شاهدان عینی می‌توانند ارائه کنند. در نتیجه می‌توان استدلال کرد که خودزندگی‌نامه‌نویسی زنان از جنگ اگر چه بیشتر و پیشتر به مثابه آرشیو تاریخی در نظر گرفته می‌شد اما باید ادعان کرد در مقام نوع مجزایی از آثار ادبی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: ارجاع، برتراند وستفال، تخطی، زنان عراقی خودزندگی‌نامه‌نویس جنگ، فضازمان‌مندی، نقد جغرافیایی، هانری لوفور

دوره شانزدهم شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

shahriari.fa@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)

lbjamili@yahoo.com

3. Geocriticism

4. *The Production of Space*

5. *Dreaming Baghdad*

6. *Diary of a Wave Outside the Sea*

7. Spatiotemporality

8. Transgressivity

9. Referentiality

مقدمه

وجهه‌ی جنسیتی ادبیات جنگ به واسطه‌ی روایت‌های زنانه‌ای که به جنگ‌های عراق و ایران و عراق و امریکا پرداخته‌اند، در حاشیه قرار داده می‌شود. از سوی دیگر تغییرات در رویکردهای جغرافیایی و اجتماعی سده‌ی بیستم باعث شده است که نویسندگان این مهم را که فضاها چگونه بر شکل‌گیری هویت‌ها تاثیر می‌گذارند مورد بحث و بررسی قرار دهند. نظریه‌پردازان نقد جغرافیایی از جمله برتراند وستفال، و رابرت تالی، و فیلسوفانی مانند آنری لوفور به دنبال آنند تا رابطه‌ی بین سوژه‌ها و فضا را تحلیل کنند. هدف این پژوهش این است تا با روشی تطبیقی مبتنی بر رویکرد جغرافیایی برتراند وستفال نشان دهد که جنگ چه تاثیرات سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی‌ای بر رویکرد ادبی و تکنیک‌های روایی این دو خودزندگی‌نامه‌نویس یعنی زنگنه و میخائیل داشته است. رابطه‌ی بنیادی بین زندگی نویسنده در مقام زن و فضایی که در آن زندگی می‌کرده، و نیز نقش التیام‌بخش خودزندگی‌نامه، و پیوند دوباره‌ی نویسنده به چشم‌انداز، فضایی است که این تحقیق به طور خاص به آن می‌پردازد. چنین رابطه‌ی نزدیک بین این نویسندگان و چشم‌اندازهای جغرافیایی محل سکونت‌شان است که آن‌ها را واداشته تا به توازی‌های بین بدن‌های فیزیکی و چشم‌اندازهای فیزیکی بیاورند و درباره‌ی آن‌ها بنویسند. رویکردهای این دو نویسنده بر مبنای چارچوب‌های نظری برگرفته از نقد جغرافیایی وستفال، کارتوگرافی‌های ادبی تالی، و تولید فضای لوفور تحلیل خواهند شد. در واقع، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اولیه است که قلمروهای فضاوند زیست این زنان نویسنده چگونه موقعیت‌های سیاسی آن‌ها را تعریف و درگیری و رویارویی آنان را با جنگ از طریق تکنیک‌های روایی مناسب مبتنی بر نوعی نقشه‌نگاری و مکان‌نگاری، قابل فهم‌تر می‌نماید، این تکنیک‌های روایی از آنچه خودزندگی‌نامه‌نویسی‌های مردانه تاکنون از جنگ روایت کرده‌اند متفاوت است. ژانال امر با ارجاع به ماریتا استورکن می‌گوید پرسش حائز اهمیت در مورد خودزندگی‌نامه‌ها این نیست که آیا یک خاطره حقیقت دارد یا نه، بلکه باید پرسید که آن خاطره چه چیزی را درباره‌ی تاثیر که گذشته بر حال می‌گذارد آشکار می‌کند (استورکن نقل شده در امر). به این ترتیب پرسش دیگر این پژوهش این است که دیدگاه شخصی^۱ نویسنده چه تاثیری در اعتبار و واقع‌گرایی روایت‌های فضاوند جنگ به شکل پیش‌گفته دارد. مشخصه‌ی

1. Subjectivity

متمایزی که می‌توان در خاطرات جنگ برآمده از امریکا و نیز خاورمیانه یافت استفاده از سبک‌های روایی نظم و نثر به مثابه ابزارهایی برای توصیف فضاها و مکان‌هایی است که نویسندگان در طول جنگ‌های خاص، در آن‌ها زندگی کرده‌اند. این شاعران و نویسندگان به این ترتیب جهانی درونی یا فضای آستانه‌ای^۱ یگانه خلق می‌کنند که نه تنها فضای جنگ را انسانی می‌کنند بلکه راهی را برای برهم‌کنش دیالوژیک^۲ بین شخصیت نویسنده/شاعر و فضا در جنگ می‌گشایند. مخاطب در مواجهه با این آثار درمی‌یابد که جنگ به این ترتیب فقط فرصت تجربه‌های جدید را برای نویسندگان زن نمی‌گشاید بلکه زنانگی‌ای را آشکار می‌کند که آن‌ها در مسیری خلاف جهت جامعه‌ی مردسالار روایت‌کننده‌ی جنگ از خود ساخته بودند. زنگنه و میخائیل تصاویری بسیار متنوع و نسبتاً جامع از زندگی‌شان زیر بار فشارهای شکنجه، در وضعیت جنگی، و در شرایط تبعید به گونه‌ای جذاب و متفاوت از دیدگاه مردانه ارائه می‌کنند. در واقع خاطره‌نویسان جنگ اطلاعات‌شان را به شکل نقشه‌پردازی‌هایی ضمنی طوری سامان می‌دهند که با تبیین و توضیح فضا و زمان پیش می‌روند.

در این مقاله ابتدا پیشینه‌ای از پژوهش‌های مرتبط معرفی می‌شود. سپس به بررسی نظریه‌های ژئوپلتیکی/سیاست جغرافیایی پرداخته می‌شود. در ادامه معرفی کوتاهی از نویسندگان و آثارشان ارائه می‌شود. سپس با اتکا بر مفاهیم اصلی رویکرد نقد جغرافیایی - فضازمان‌مندی^۳، تخطی^۴، و ارجاع^۵ - و نیز برخی مفاهیم فضایی دیگر تلاش می‌شود تا به واکاوی و مقایسه‌ی تطبیقی خودزندگی‌نامه‌های مورد اشاره پرداخته شود. در انتها نیز تحلیل نهایی در بستر نظری گسترده‌تر تولید فضا گنجانده می‌شود.

پیشینه پژوهش

برغم اینکه پژوهش‌های متعددی در زمینه نقش جغرافیای سیاسی و جنگ به خصوص جنگ‌های جهانی اول و دوم در آثار متفاوت ادبی غربی موجود است، لیکن پژوهش‌های معدودی به ادبیات شرق و به مساله‌ی فضا در آثار خودزندگی‌نامه‌نویسی‌های زنان

1. Liminal space
2. Dialogic Interaction
3. Spatiotemporality
4. Transgressivity
5. Refrentiality

در اینجا منظور کاربرد دیالوژیک در تحلیل نقد ادبی است.

پرداخته‌اند. کلی رابین آدامز^۱ در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «کنش‌های ادبی در خاطرات زنان جنبش حقوق مدنی^۲» (۲۰۱۲) نقش‌های مشارکتی‌ای را که زنان در جنبش‌های سیاسی و ادبی ایفا می‌کنند برجسته کرده است، از جمله توانایی کنش‌گری عمومی آن‌ها در جنبش‌هایی که در گذشته با نام و کنش‌گری رهبران مرد بر سر زبان‌ها بوده است. از سوی دیگر، جانسون ام. آلیسون^۳ در کتاب خود، تاریخ‌های جنگ: بازنمایی سکوت در روایت‌های زنان از جنگ ویتنام/آمریکا^۴ (۲۰۱۶) بر نظریه‌های فمینیستی فن معانی سکوت^۵، شنیداری و عملکرد^۶ متمرکز است. او روانکاوی سنتی را می‌کاود و چگونگی روایت جنگ و مواجهه با ضربات روحی آنان را در روایت‌های زنان آمریکایی، ویتنامی و ویتنامی-آمریکایی بررسی می‌کند. این اثر مشخصاً به کشتار مای لای^۷ در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۶۸ می‌پردازد. اکثر قربانیان غیرنظامیان زن و کودک بودند. آلیسون به دو سویه‌ی روایت دردناک زنان ویتنامی و آمریکایی در توصیف جزئیات این تاریخ و نیز پیامدهای وقایعی از این سبک می‌پردازد. امی کاتلین سینینگر^۸ در کتابش با عنوان حقیقت در کمدی: بازنمایی‌های موفقیت پسافمینیستی و فرهنگ آمریکایی در خاطرات کمیک زنان^۹ (۲۰۱۵) به نقش روایت و اهمیت خودزندگی‌نامه‌نویسی در میان زنان اشاره می‌کند. سینینگر همچنین به افزایش چشم‌گیر خودزندگی‌نامه‌های طنز و نیز تغییر فرهنگ آمریکایی در مواجهه با این ژانر که زنان از آن خود کرده‌اند نیز اشارات مفصلی دارد. در انتها، جنی یانگ کیووسکی^{۱۰} در کتاب جنسیت و روان‌زخم‌ها از جنگ

1. Kelly Robin Adams

2. *Literature Practices in Women's Memoirs of the Civil Rights Movement*

3. Johnson M. Alison

4. *Histories of War: Representations of Silence in Woman's Vietnam/American War Narratives*

5. *Feminist Rhetorical Theories of Silence*

6. *Praxis*

7. *My Lai Massacre*

کشتار مای لای در ۱۶ مارس ۱۹۶۸ میلادی در جریان جنگ ویتنام بود که طی آن ۳۴۷ تا ۵۰۴ شهروند غیرنظامی جمهوری ویتنام جنوبی که اکثرشان زنان و کودکانی بودند که قبل از کشتار برخی از آن‌ها مورد شکنجه و قطع اندام‌ها قرار گرفته بودند. این کشتار را سربازان گردان سوم تجسسی ارتش آمریکا انجام دادند. انتشار این خبر به وجهی ارتش آمریکا ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد کرد.

8. Amy Kathleen Sininger

9. *The Truth in Comedy: Representations of Postfeminist Success and American Culture in Women's Comedic Memoirs*

10. Jenny Young Kijowski

جهانی اول تا جنگ در عراق: پس‌اند روایت مرگ^۱ (۲۰۱۵) تاملی بر مباحث روایی از جنگ جهانی اول تا جنگ‌های ایران-عراق و آمریکا-عراق دارد. این اثر روایت‌های مردانه و زنانه و نیز تفاوت‌های چشم‌گیر آنان را در ترسیم حقایق جنگ مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است که مسیر روایت زنان و مردان از آن‌چه در جنگ تجربه کرده‌اند، متفاوت است. جنگ پدیده‌ی اجتماعی عجیبی است که به تعداد کنش‌گرانی که آن را تجربه کرده‌اند می‌تواند روایت‌های متفاوتی داشته باشد. سعید مدنی و فریبا نظری در مقاله‌ی خود تحت عنوان «بررسی تأثیر گفتمان رسمی بر روایت زنان از جنگ ایران و عراق^۲» فرضیه اصلی خود را این‌طور تعریف کرده‌اند که زنان در روایت خاطراتشان از جنگ ایران و عراق تحت تأثیر گفتمان رسمی جامعه هستند، و خود از این روند اطلاعی ندارند. حاصل تحلیل انتقادی گفتمان این خاطرات، مشاهده گزاره‌های متعدد گفتمان رسمی جمهوری اسلامی است. مینو سلیمی در مقاله‌ی دیگری تحت عنوان «مطالعه مردم‌شناسی روایت‌های زنانه از دوران جنگ تحمیلی^۳» به روایتی از جنگ پرداخته است که تجربه زیسته زنانه را شکل داده و آن را بازگو میکند. زنانی که به نوعی در جنگ شرکت داشته یا به شکلی مستقیم آن را زیسته‌اند. پژوهش وی درصدد مطالعه مردم‌شناسی روایت‌های زنانه از دوران جنگ تحمیلی است.

مبانی نظری پژوهش: نقد جغرافیای سیاسی (نقد ژئوپلیتیکی)

برتراند وستفال در کتابش با عنوان نقد جغرافیایی: فضاهای واقعی و خیالی^۴ می‌گوید، بازساختاردهی فاجعه‌آمیز جوامع در طول و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم به تحلیل دل‌مشغولی با زمان و متعاقباً واگذاری تصویر تاریخ به سان حرکتی رو به جلو و در نتیجه مفهومی از زمان‌مندی انجامید که در دوران پیشاجنگ غالب بود. این کم‌رنگ‌شدن بحث زمان عرصه را برای طرح مفهوم فضا باز می‌کند (وستفال ۲۵). ادوارد سوچا نیز به سهم خود نشان می‌دهد که «تاریخ‌گرایی فضازدایی‌کننده^۵» ی اواخر سده‌ی نوزدهم و اوایل سده‌ی بیستم «راه را به سوی فضا مسدود و آن را ارزش‌زدایی، و سیاست‌زوده کرده بود» (سوچا ۴). در پی چرخش فضایی، خود نظریه

1. *Gender and Trauma from World War I To the War in Iraq: Narrative in the Ftermath of Loss*
2. "Examination of the Infulence of Mainstream Discourse on Iran-Iraq War"
3. "Anthropological Study of Feminine Narratives from the Imposed War Era"
4. *Geocriticism: Real and Fictional Spaces*
5. *De-spatializing Historicism*

به عرصه‌ای بنیادی برای مطالعات فضا‌مندی تبدیل شده است. برای مثال دیوید هاروی در این خصوص می‌نویسد: «زیر رویه‌ی ایده‌های به ظاهر طبیعی درباره‌ی فضا و زمان، عرصه‌های پنهان ابهام، تضاد و مبارزه نهفته است. مبارزات مهمی به همین ترتیب افزون بر مبارزات در سطح عملی، در قلمروهای نظریه‌ی علمی، اجتماعی، و زیبایی‌شناختی رخ می‌دهند. چگونگی بازنمایی فضا و زمان در نظریه مهم است زیرا بر تفسیر ما و دیگران از آن‌ها و عمل بر مبنای آن تاثیر می‌گذارد» (هاروی ۲۰۰۵). نقد جغرافیایی به معنای این است که فضاهای واقعی و داستانی/خیالی بر همدیگر تاثیر می‌گذارند و از هم تاثیر می‌پذیرند. هدف نقد جغرافیایی بررسی فضاهایی است که به واسطه‌ی برهم‌کنش بین واقعیت و خیال در ادبیات خلق می‌شوند. از دید تالی خودِ متن نوعی نقشه به شمار می‌رود، اگرچه تصویری در آن گنجانده نشده باشد. «متون این اجازه را می‌دهند تا حتی در غیاب هر گونه تصویر واقعی، تصاویری ذهنی را متصور شویم که پیش‌تر توصیف‌شان را خوانده‌ایم» (فضا‌مندی، ۲۰۱۲: ۳).

تاثیرگذارترین اثر در نظریه و چرخش فضایی بی‌تردید تولید فضای لوفور^۱ است. مهم‌ترین موضوع در جهان ادبی در این خصوص تمایزگذاری بین فضای واقعی، خیالی و سیاست جغرافیایی بوده است. چگونگی ترسیم فضای زنان خودزندگی‌نامه‌نویس جنگ، فضا را به معنای فضای اجتماعی-سیاسی و نه صرفاً ظرفی خالی بنا بر اندیشه‌ی دکارتی و کانتی، بازنمایی می‌کند. به گفته‌ی لوفور «دقیق‌تر آن است که بگوییم فضا هم‌زمان پیش‌شرط و محصول روپناهای اجتماعی است. دولت و همه‌ی نهادهای سازنده‌اش خواهان فضا هستند اما فضایی که بتوانند مطابق با مقتضیات و ضرورت‌های خودشان آن را سازماندهی کنند. به این ترتیب فضا به هیچ وجه صرفاً شرط پیشینی برای این نهادها و دولتی که آن‌ها را تحت کنترل دارد نیست» (۸۵). به گفته‌ی لوفور هر شیوه‌ی تولیدی، فضای خاص خودش را تولید می‌کند. تولید فضا فرایندی تک‌علیتی نیست بلکه فرایندی چندظرفیتی است که از شبکه‌ی دیالکتیکی^۲ درهم‌تنیده‌ی کنش‌های انسانی تشکیل شده است. لوفور تولید فضا را سه لحظه‌ی دیالکتیکی درهم‌تنیده‌ی «کردارهای

۱. ۲۹. تمام کلیدواژه‌های مرتبط با بحث تولید فضا برگرفته از ترجمه آثار هانری لوفور هستند که به همت آیدین ترکمه به فارسی برگردانده شده است. عناوین این آثار عبارتند از: ماتریالیسم دیالکتیکی (۱۳۹۳)، بقای سرمایه‌داری (۱۳۹۶)، ضرب‌آهنگ‌کاوی (۱۳۹۳)، و مجموعه مقالاتی با عنوان «درآمدی بر تولید فضا» (۱۳۹۵).

2. Dialectical

فضایی^۱، «بازنمایی‌های فضا^۲» و «فضاهای بازنمایی^۳» (و یا فضای درک‌شده، فضای تصور شده و فضای زیست‌شده) تعریف می‌کند (۳۳، ۳۸، ۳۹).

نقد جغرافیایی و ستفال در واقع رویکردی جغرافیامحور را در مقابل رویکردی خودمحور^۴ مطرح می‌کند به طوری که تحلیل بر بازنمایی فضایی جهانی/عام و نه بازنمایی‌های فردی مبتنی می‌شود. این بدان معنا است که فرد به جای توجه به شیوه‌ی برخورد و فهم نویسنده از مکان، در مقابل با رویکردی مبتنی بر جغرافیا به مطالعه‌ی یک شهر، منطقه و یا قلمرو بپردازد. رویکرد نقد جغرافیایی و ستفال و تالی سه مفهوم اصلی را معرفی می‌کنند: فضازمان‌مندی، تخطی، و ارجاع که برهم‌کنش‌شان به خوانشی فضامند ختم می‌شود. (گروتز ۲۸). تالی می‌نویسد: «نقد جغرافیایی رویکردی است چندحسی به مکان‌ها – مکان‌ها به معنای فضاهای ملموس یا واقعیت‌یافته. در بیشتر مواقع مکان‌ها را با چشمان مان ادراک می‌کنیم اما به نظر می‌رسد بهترین راه این باشد که حس کردن را طوری تنوع بخشیم که صداها، رایحه‌ها، مزه‌ها و بافت‌های یک مکان را نیز دربرگیرد» (نقد بوم‌شناختی و نقد جغرافیایی ۲۳). نقد جغرافیایی در نظریه‌ی ادبی، یک روش میان‌رشته‌ای تحلیل ادبی است که همبستگی‌هایی را بین زندگی و زمان‌های نویسنده به تصویر می‌کشد که به واسطه‌ی داستان و بر مبنای داده‌های فضایی تعریف می‌شوند (وستفال ۳۴).

رویای بغداد اثر هیفا زنگنه^۵

هیفا زنگنه نویسنده، فعال سیاسی، و هنرمند کرد عراقی است که در حال حاضر ساکن لندن است. از جمله کتاب‌های او در سراسرهای پهناور حافظه^۶ (۱۹۹۱) زنان در سفر: از بغداد تا لندن^۷ (۲۰۰۱)، کلیدهای شهر^۸ (۲۰۰۰)، و شهر پنجره‌ها: روایت زنی عراقی

1. Spatial Practices
2. Representations of Space
3. Spaces of Representation
4. ego-centered

۵. تمام برگردان‌ها از دو اثر مورد بررسی در این مقاله (رویای بغداد اثر هیفا زنگنه و خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا اثر دنیا میخائیل) از نگارندگان است.

6. *In the Vast Halls of Memory*
7. *Women on a Journey: Between Baghdad and London*
8. *Keys to a City*

از جنگ و مقاومت^۱ (۲۰۰۸) هستند. او در حال حاضر با زنانی که سابقاً در تونس زندانی سیاسی بوده‌اند کار می‌کند تا تجربه‌های آن‌ها را به عنوان بخشی از فرایند گذار به عدالت به تحریر درآورد. روایت *رویای بغداد* بر وضعیت سیاسی عراق در دهه‌ی ۱۹۷۰ استوار است یعنی زمانی که حزب بعث در قدرت‌مندترین موقعیت خود از لحاظ اثرگذاری در خاورمیانه و محبوبیتش در غرب قرار داشت. زنگنه در زمره‌ی مقاومت‌کنندگانی بود که دستگیر و به زندان ابوغریب منتقل شد. زندان ابوغریب در واقع مرکز نگهداری زندانیان سیاسی‌ای بود که علیه رژیم دیکتاتوری صدام حسین اعتراض می‌کردند.

شرح واضح مکان‌هایی که زنگنه در آن‌ها زندگی کرده بود و از جمله توصیف دقیق خیابان‌های بغداد در طول و پس از جنگ مفهوم فضایی/جغرافیایی نقشه‌پردازی مکان‌ها را با استفاده از واژگان و نه تصاویر شرح می‌دهد. خوانندگان به این ترتیب به ماهیت مکان‌ها پی می‌برند گویی خودشان شاهد عینی جنگ بوده‌اند. زنگنه در یکی از آزادترین جوامع در خاورمیانه – آزادترین تا پیش از زمان به روی کار آمدن حزب بعث در دهه‌ی ۱۹۷۰ – بزرگ شده است. او که مخالف حکمرانی صدام حسین بود به زندان افتاد و در سال ۱۹۷۶ به لندن تبعید شد. خودزندگی‌نامه‌ی زنگنه در مکان جغرافیایی متفاوتی نسبت به مکانی که طرح اولیه‌اش شکل گرفت نوشته شد. این متن در واقع پس از آزادی‌اش از زندان و تبعید او به لندن و در شکل ادبیات تبعید به رشته‌ی تحریر درآمد. زنگنه در *رویای بغداد* تکنیک‌های متفاوتی را در انتقال روایتش به کار می‌برد و در بخش‌های مختلف کتاب به خود – در مقام شخصیت اصلی مثبت – هم در شکل اول شخص و هم در شکل سوم شخص ارجاع می‌دهد و به این ترتیب تصویری چندوجهی را به خواننده عرضه می‌کند.

خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا اثر دنیا میخائیل

دنیا میخائیل شاعر عراقی امریکایی در بغداد متولد شد و مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه بغداد دریافت کرد. او پیش از آن که در فهرست دشمنان صدام حسین قرار بگیرد به عنوان مترجم و روزنامه‌نگار برای *بغداد آبزور*^۲ کار می‌کرد و در دهه‌ی

1. *City of Windows: An Iraqi Woman's Account of War and Resistance*

2. *Baghdad Observer*

۱۹۹۰ به امریکا مهاجرت کرد. کتاب اول او در سال ۲۰۰۵ با عنوان *سخت‌کوشی جنگ*^۱ با ترجمه الیزابت وینسلو^۲ به انگلیسی منتشر شد و جایزه‌ی PEN را برای ترجمه از آن خود کرد. *خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا* نیز در سال ۲۰۰۹ با ترجمه‌ی مشترک میخائیل و الیزابت وینسلو منتشر و جایزه‌ی کتاب عرب امریکن^۳ را به خود اختصاص داد. میخائیل با بهره‌گیری از کنایه و سادگی ویرانگر به موضوعات جنگ، تبعید، و فقدان می‌پردازد و از ژانرهای مانند گزارش‌نویسی، حکایت، و ادبیات غنایی استفاده می‌کند. *خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا* نوشته‌ی میخائیل متنی چشم‌گیر و مسحورکننده است که خوانندگان را به یاد حماسه‌های اسطوره‌ای باستانی میاندازد از جمله زمانی که سسیفوس^۴ پس از آنکه به بالابردن سنگی از کوه برای تمام عمرش محکوم شد به نحوی تراژیک استقامتش را از دست می‌دهد. این اثر خودزندگی‌نامه‌ای است که در قالب شعر به نگارش درآمده و به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول در عراق نوشته شد در حالی که بخش دوم در زمان زندگی‌اش در تبعید به رشته‌ی تحریر درآمد. تفاوت‌ها در جهت‌گیری‌های جغرافیایی این دو بخش از کتاب اطلاعاتی را درباره‌ی تاثیر جهت‌گیری فضایی خودزندگی‌نامه‌نویس و تاثیرش بر برگزیدن زبان و سبک مواجهه با رویدادهای جنگ در جنگ‌های عراق و ایران و عراق و امریکا در اختیار خوانندگان می‌گذارد. این اثر به شدت به استفاده از استعاره‌های انتزاعی و ارجاعات به خدایان و شخصیت‌های اسطوره‌ای باستانی گرایش دارد. در اثر چرخش به سوی زندگی در تبعید در امریکا، میخائیل نسخه‌ی اولیه‌ی بخش دوم از این اثر را نثر-نظم تدوین می‌کند که همچون روشی برای محورز بین این دو ژانر برای فاصله‌گذاری با بخش اول به کار گرفته می‌شود که در قالب رویا به پایان می‌رسد، در حالی که او بخش دوم را با توصیف زندگی‌اش در هنگام فرار از عراق آغاز می‌کند (*خاطره‌ی موجی ۲۳*). او به خوانندگانش نشان می‌دهد که پیامد جنگ نابودی سرزمین پدری است که با دگرگون‌شدن جنگ – آنچه حرب می‌نامد – به دریا – آنچه که بحر می‌نامد – همراه است.

1. *The War Works Hard*
2. Elizabeth Winslow
3. Arab American Book Award
4. Sisyphus

خوانشی جغرافیایی-انتقادی^۱ از رویای بغداد

رویکرد نقد جغرافیایی و ستفقال و تالی سه مفهوم اصلی را معرفی می‌کنند: فضا-زمان‌مندی، تخطی، و ارجاع که برهم‌کنش میان‌شان کمک می‌کند تا خوانشی فضامند حاصل شود. این نظریه‌ها بر این ایدئولوژی مبتنی‌اند که فضا و زمان می‌توانند طیفی را به وجود بیاورند که گسترده‌تر از آن چیزی است که در فیزیک مدرن فهمیده می‌شود (گروتز ۲۸). واژه‌ی نقد جغرافیایی مفهوم زمین-فلسفه^۲ را به دنبال دارد که برگرفته از رشته‌های متفاوت و گفتمان‌های فرهنگی مختلف از جمله حوزه‌های مهمی مانند معماری، مطالعات شهری، فلسفه و مطالعات جنسیت است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد نقد جغرافیایی و ستفقال در واقع رویکردی جغرافیامحور را در مقابل رویکردی خودمحور^۳ مطرح می‌کند. این را می‌توان در رویکرد روایی زنگنه در توصیف گورستان باب‌المعظم دید، جایی که او چنین روایت می‌کند:

این دیوار گورستان بود. نیمی از گورستان تخریب شده بود و نیم دیگرش پر بود از درختان نخل. گورستان به محلی برای زادوولد سگ‌ها و گربه‌های ولگرد تبدیل شده بود. یادم می‌آید در بعد از ظهری که بر سر مزار پدر بزرگم رفته بودیم مادرم توضیح می‌داد که گربه‌ها بیش از حد چاق بودند چون از اجساد که به تازگی دفن شده بودند تغذیه می‌کردند. (رویای بغداد ۳۸)

زنگنه آگاهانه از رویکرد خودمحوری که بر افکار ذهنی خودش مبتنی‌اند فاصله می‌گیرد تا توصیفی جغرافیامحور از دیوارهای گورستان ارائه دهد، دیوارهایی که بخشی از حصار در شهر بغداد بودند. او با جلب توجه مخاطبان به توصیف همزیستی گربه‌های وحشی با شرایط جنگی در نزدیکی دیوارهای گورستان، حقیقت این موقعیت را به تصویر می‌کشد. آشکار است که به خاطر جنگ اجساد بیشتری نسبت به حالت عادی به گورستان منتقل می‌شدند. در رویکرد جغرافیامحور، برهم‌کنشی بین عوامل زیست‌شناختی که بر ماهیت گورستان تاثیر می‌گذارند و حضور اجساد مردگان وجود دارد. این گربه‌ها، از دیدگاه نویسنده به طور استعاره‌ای - در قالب انسان انگارانه‌ای - از فضای جنگی برای فریب‌کردن خود بهره می‌گرفتند، و اینجا زنگنه نه دیدگاه‌های شخصی خود بلکه واقعیت‌هایی را توصیف می‌کند که در شهری که در نتیجه‌ی جنگ آشوب‌ناک

1. Geocritical
2. Geo-philosophy
3. Ego-centered

شده است در حال وقوع‌اند.

بدین ترتیب نقد جغرافیایی رویکردی میان‌رشته‌ای برای درک ادبیات در رابطه با فضا و مکان است. نویسنده در این رویکرد به ترسیم نقشه‌های جهان می‌پردازد و بازنمایی از مکان‌های واقعی را با فضای خیالی داستان درمی‌آمیزد. زندگی نویسنده به نحوی استعاری بر روی زمین و تمام ساکنانش از جمله انسان‌ها، سایر حیوانات، گیاهان و صخره‌ها نوشته می‌شود و به این ترتیب قلمرو به متن، و جغرافیا به آگاهی تبدیل می‌شود و نویسندگان نوع جدیدی از نگارش روایت زندگی را خلق می‌کنند (آلیستر ۳). نوعی روایت زندگی که نشان می‌دهد چگونه زندگی و فرایند فلاکت و بهبود به چشم‌انداز و حس مکان فرد گره خورده‌اند.

متن *زنگنه* در *رویای بغداد* بر توصیف تصویر یا ایده‌های بیش از حد ساده‌سازی‌شده از گونه‌ی خاصی از شخصی یا چیزی مبتنی است. برای مثال عنوان شده است که «به نظر می‌رسد همه‌ی شما شبیه به هم هستید. من فکر می‌کردم تو روشنفکری هستی که هیچ اشتراکی با مردم نادان نداری» (*رویای بغداد* ۲۷). اینها واژگانی هستند که رئیس زندان (قصر) در طول بازجویی به کار می‌برد. زنگنه همچون فعالی سیاسی نشان‌دهنده‌ی تیپ غالب شخصیت افرادی است که هنوز به حکومت وفادار بودند. خود زندان‌بانان از جمله شکنجه‌گران نیز به دست همان حکومتی که در پی شورش بر ضد رژیم دیکتاتوری نمایندگی‌اش می‌کردند در رژیم بعدی اعدام می‌شوند. توصیف او از رابطه‌ی بین روسای زندان و حکومتی که به آن خدمت می‌کردند همان چیزی است که وستفال درباره‌ی آن می‌گوید: «نقد جغرافیایی از برتری‌بخشیدن به دیدگاهی خاص دوری می‌کند تا طیف گسترده‌تری از نگاه‌ها را به یک مکان دربرگیرد» (۳۴). نظریه‌ی وستفال از این رو بر کار زنگنه قابل اعمال است که او نیز به دیدگاه خاصی برتری نمی‌بخشد. زنگنه با توضیح شیوه‌ی اعدام رئیس زندان به دست همان حکومتی که برایش انجام وظیفه می‌کرد، قضاوت درباره‌ی سطوح غفلت رئیس زندان را به مخاطب وامی‌گذارد.

زن در گفتمان جغرافیای سیاسی جنگ: تخطی روایی در *رویای بغداد*

چارچوب نظری پذیرفته‌شده در این مطالعه بر تحلیل برهم‌کنش نقد جغرافیایی و مطالعات جنسیت استوار است. خودزندگی‌نامه‌نویسان زن استراتژی‌های جغرافیایی را به عنوان

استراتژی‌های روایی به کار می‌گیرند. «فقط یک صورت ازلی زنانه وجود ندارد، زنان در فردیت‌شان بی‌نهایت هستند» (سیکسو ۷). یعنی هر کدام از زندگی‌نامه‌نویسان زن ابعاد متفاوت زنانه خود را در روایت‌های خود به شکلی شیوا و منطقی، منطبق با موقعیت جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنند، به کار می‌برند که این ابعاد می‌تواند گاهی مادرانه، خواهرانه یا معلم‌گونه (همچون زنگنه)، گاهی همچون یک مدیر و مدبر یا شاعر و غیره باشد. در این مورد، هم نقد جغرافیایی و هم نظریه‌های فمینیستی همبسته‌اند به این معنا که هر دو دربرگیرنده‌ی مفهوم تخطی هستند.

بهترین روش به کارگیری بالقوه‌ی نوشتار فضامند^۱ که تخطی و برهم‌کنش بین جنسیت و فضا را به نمایش می‌گذارد نظامی از کدگذاری پیام‌ها است که زنگنه در متنش یعنی *رویای بغداد* شرح داده است. زنگنه با بهره‌گیری از حماسه نشان می‌دهد که زنان برای ابراز معناهای جدید جنسی/زنانه خودشان باید به نحوی آشفته عرصه‌های چندگانه‌ی زبان مردانه را مختل کنند (*رویای بغداد* ۳۹). زنان به این ترتیب قادرند تا از طریق یافتن راه‌هایی حولِ گفتمان‌های تحمیلیِ مردسالارانه و بهره‌گیری از فضاهای خالی‌ای که خودزندگی‌نامه‌های مردانه به خاطر یک‌سویه‌نگری‌شان باقی می‌گذارند، نرم/هنجار متعارف و رایج را بشکنند و براندازند. اگرچه مکان موضوعی کلیدی در نوشته‌های زنان و مردان غربی است، آثار نویسندگان زن بیانگر قرابتی یگانه با چشم‌انداز است. نویسندگان زن غربی پیوسته به نحوی صمیمانه، بسیار نزدیک، و حتی جنسی درباره‌ی چشم‌انداز می‌اندیشند و می‌نویسند. زنگنه هم به نوعی همین نگاه را به کار می‌گیرد. او نشان می‌دهد که چگونه زمان و فضا باعث می‌شوند شخص به کردارهایی عادت کند که بازتاب‌دهنده‌ی اعمال روزمره‌ای هستند که در معرض‌شان قرار دارد. سانسور در اینجا زمان و فضا، شرایط اجتماعی و سیاسی غالب، فراگیر و دلیل دگرگونی‌های روان‌شناختی خود نویسنده است. زنگنه نشان می‌دهد که چگونه نگارش یا روایت خاطرات خودش فرایندی زیرکانه است و از این رو متن خود را اغلب با هدف انتقال حقیقت آغاز می‌کند. در حقیقت نویسنده در نگارش خویش پیشاپیش حضور سانسور را درونی کرده است. به این ترتیب، خواننده با توجه به فضا و زمان غالب رخدادها دور می‌افتد، به طوری که فضای نویسنده موقعیت جغرافیایی جنگ است، در حالی که زمان او با جامعه‌ای تعریف می‌شود که نه فقط با مصائب جامعه‌ی مردسالاری

1. Spatial writing

بلکه همچنین با مسائل جنسیتی زن نویسنده تعریف می‌شود.

زنگنه و دیگر خودزندگی‌نامه‌نویسان زنی که ادبیات جنگ را بر مبنای تجربه‌ی تجزیه‌ی بغداد خلق کرده‌اند را می‌توان از منظر جغرافیایی-انتقادی همچون ترسیم‌کنندگان جنگ تلقی کرد که از این روش به عنوان تکنیکی برای بقا و تصدیق تعهد سیاسی دلسوزانه استفاده می‌کنند. این خودزندگی‌نامه‌نویسان که از جغرافیایی در حاشیه می‌نویسند این توانایی را دارند که انحصار مردانه‌ی غالب را در ترسیم داستان جنگ درهم‌بشکنند و خود را همچون نجات‌یافتگان از جنگ علیه رژیم اقدارگرا به نمایش بگذارند. جنگ فرصت‌هایی را در اختیار زنان قرار می‌دهد تا دست به عمل سیاسی بزنند و نقش‌های سنتی را در جامعه به چالش بکشند، عملی که در وضعیت صلح بی‌واسطه امکان‌پذیر نبود. در این خصوص، زنگنه جنگ را همچون فضای بالقوه‌ای تلقی می‌کند که موقعیت‌های فرودست^۱ می‌توانند در آن به سوژه تبدیل شوند. زنگنه از عنوانِ رویای بغداد بهره می‌گیرد تا به خوانندگان وجود فضایی را نشان دهد، بین جایی که هست و جایی که حس می‌کند باید باشد، که فرمی از فضا زمان‌مندی است بین جایی که فرد در آن جا ساکن هست و نسبتش با جایی که قرار است در آن جا باشد.

به گفته‌ی استل سی. جلینک^۲ بسیاری از نویسندگان زن معاصر به این خاطر رو به خودزندگی‌نامه‌نویسی آورده‌اند که به خوبی در خودزندگی‌نامه‌های مردان و زنان بازنمایی نشده‌اند (IX). خودزندگی‌نامه‌های اندکی وجود دارند که تمرکزشان مقدمتاً «بر موضوع و فرم‌های روایت و نیز تصویر بازنمایی شده از خودنگاره‌ی زنان» بوده است (همان X). علت دیگری که باعث شده است توجه زنان به ژانر ادبی خودزندگی‌نامه جلب شود گرایش به «بازپس‌گیری مکانی در تاریخ است که زن نویسنده معتقد است از آن‌ها دریغ شده است» (همان). زنگنه در این خصوص ادبیات خود را به مثابه ابزاری برای نقشه‌پردازی به کار می‌گیرد تا توصیفات از مکان‌ها را به خوانندگان خود عرضه کند، و این مکان‌ها را در فضای خیالی حک می‌کند و به این ترتیب با خلق نقاط مرجعی به آن‌ها کمک می‌کند تا جهانی را که در آن زندگی می‌کنند به خوبی جهت‌یابی و ادراک کنند. در دو خودزندگی‌نامه‌ی مورد بررسی در این تحقیق، با چندین شیوه‌ی مختلف از ترسیم روابط بین نقشه‌ها و روایت‌ها مواجه می‌شویم. در خلال تحلیل این روابط می‌توان دو نوع عمده‌ی آن‌ها را تشخیص داد. نوع اول مربوط به حالتی است که نقشه‌ها به منظور

1. Subaltern positions

2. Estelle C. Jelinek

بازنمایی ساختارهای فضایی‌زمانی داستان‌ها و روابطشان با مکان‌ها به کار گرفته شده‌اند. در نوع دوم، نقشه‌ها بالقوه روایت به شمار می‌روند و در این حالت، پیوند نقشه با فرایند کامل نقشه‌پردازی به واسطه‌ی روایت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

کنت رایدن^۱ در ترسیم چشم‌انداز نامرئی بیان می‌کند ما به موازات آن که مکان‌ها را در قالب داستان به نگارش درمی‌آوریم مکان‌ها را در زندگی مان خلق می‌کنیم. «مکان‌ها وجود ندارند تا زمانی که به زبان درآیند» (۱۶۸). در واقع در داستان، چشم‌اندازها تمایزی از مکان را به خود می‌گیرند، مکانی گره‌خورده به رویدادهای زندگی و نه صرفاً فضایی مسکوت. از دید زنگنه خودزندگی‌نامه شیوه‌ی نقشه‌پردازی و ترسیم فضاهایی را عرضه می‌کند که او در تجربه‌ی خودش با آن‌ها مواجه شده و یا آن‌ها را تصور کرده است. او نشان می‌دهد که موفقیت‌ها و شکست‌ها در جنگ صرفاً بر ماهیت مردسالارانه‌ی جامعه مبتنی نبود بلکه تمایل/رضایت زنان به پذیرش نقش‌های جنسیتی نیز – که جامعه از آن زمان به بعد دیگر امکانش را نداد – در این پیروزی‌ها و شکست‌ها نقش به‌سزایی داشته است. زنگنه توصیفی دقیق از جزئیات فیزیکی بغداد ارائه می‌کند:

می‌دانم که شهرم بغداد، تیره و تار است. حتی در طول روز زنی ترسیده می‌پرسد «چرا شب است؟» و مردی خواب‌آلوده می‌گوید «من برای عشقی که آرزویش را دارم خواهم خواند». من می‌دانم که کسی که در این شهر سکونت می‌کند دریانوردی است که با کیفش در دست آماده‌ی فرار است. می‌دانم که همه‌ی تندیس‌های برافراشته در میدان‌ها متعلق به یک نفر هستند، با این حال من از اعماق قلبم حسرت لحظه‌ای را دارم که دریانورد کیفش را بر زمین خواهد گذاشت، و با آرامش و شادمانه به نقاشی‌های کودکانی خیره می‌شود که خبری از سلاح و سربازان در آن‌ها نیست. (روایای بغداد ۱۴)

زنان ترسیده‌اند و نمی‌توانند در طول روز پا به خیابان‌های شهر بگذارند زیرا شهر در واقع به واسطه‌ی صحنه‌های کریه جنگ تیره و تار شده است. دریانورد در واقع به سان نماد اشتیاق برای صلح به کار می‌رود. تنها منبع صلح در شهر که حتی در آفتاب روز نیز می‌درخشد در حال فرار از شهر تاریک است، صلحی که دریانورد در آرزوی آن است. در این گفتاورد، فضایی که دریانورد و زن در آن ساکن هستند فضای تیره و

1. Kent Ryden

تاری آکنده از ترس و مرگ است.

ژئوپلیتیک فضاهای هموار و ناهموار^۱ در رویای بغداد و خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا

تالی در بحث از چرخش فضایی نقد جغرافیایی را همچون چارچوبی تلقی می‌کند که بر بازنمایی فضایی در متون ادبی متمرکز است در حالی که همزمان قلمروهای همپوشان نقشه‌پردازی شناختی بالفعل یا فیزیکی شخصیت مورد بحث را در متون ادبی می‌کاود. ارزش نقد جغرافیایی را می‌توان در فراسوی مطالعه‌ی فضا در تحلیل ادبی فیلم و یا صحنه‌ی نمایش جست. رویای بغداد زنگنه روایتی است که به مثابه نقشه عمل می‌کند، روایتی که همچون ابژه‌ای فهمیده می‌شود که باید بر صحنه‌های جنگ در عراق دهه‌ی ۱۹۷۰ الصاق و منطبق شود. معانی نقشه‌پردازی در این نمونه‌ی خاص بیانگر خط سیرهای سوژه و ابژه است، جایی که داستان همزمان ابزاری برای نقشه‌پردازی است و خودش همچون نقشه ترسیم می‌شود. تخطی به مثابه مفهومی مرتبط به نقد جغرافیایی و خوانش فضاها از دریچه‌ی چشم‌اندازهای نظری در خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا نوشته‌ی میخائیل نیز به چشم می‌خورد. او چنین می‌نویسد: «من به تنهایی در انتظار نایستاده بودم، رودخانه‌هم آنجا بود، و دودی که از انفجارها و از سیگار یک عاشق برمی‌خواست که غرق در تنهایی خود بود، همچون سربازی در گوشه‌ی صفحه‌ی شطرنج» (۵).

اگرچه خودزندگی‌نامه‌ی جنگ عموماً مبتنی بر واقعیت است و بخشی از آرشیو تاریخی محسوب می‌شود، آثاری همچون اثر میخائیل بی‌تردید مملو از استعارات و ارجاعات ادبی هستند. از این رو تصمیم میخائیل مبنی بر اعتراض بر ضد مقتضیات رژیم دیکتاتوری شکلی از تخطی است، تخطی از آنچه که هنجار بوده است، که عملاً به معنای رنج توده‌های مردم است. او همچنین با انسانی‌کردن فضای جنگ بر ضد هنجارها می‌شورد، و با این روش برهم‌کنش دیالوگوار را بین فرد و فضا یا شهر می‌گشاید. او استدلال می‌کند که وحدت - خودیکسان‌انگاری^۲ - فرد با فضای جنگ بر شکل مرثیه‌سرایی مبتنی بود. میخائیل به چیزی می‌تازد که سابقاً به عنوان خاورمیانه بازنمایی می‌شده است زیرا او و دیگر فعالان سیاسی خواستار حمله به دولت/ملتی

1. Smooth and Striated
2. Self-identification

دیکتاتوری بودند که پر از ادعاهای واهی بود. او از طریق شرح شرایط اسفناکی که به مردم عراق در سرزمین مادری‌شان تحمیل شده بود جهت‌گیری‌ای فضامند به روایت خود می‌دهد. میخائیل در *خاطره‌ی موجی* می‌گوید: «بعضی اوقات تصور می‌کنم که جنگ پایان یافته است و زندگی فقط برای لحظه‌ای به پیشانی اجساد خزیده است. فقط یک ثانیه کفایت می‌کند، یک لحظه، لحظه‌ای به اندازه‌ی گلوله، آیا جنگ تمام شده است؟ حالا بدون دشمن چه خواهیم کرد؟» (۱۰). نقش کلیدی سرزمین در شکل‌گیری هویت افراد غیر قابل انکار است. در دو سر طیف ارتباط هویت و قلمرو جغرافیایی می‌توان دو تفکر افراطی را مشاهده کرد. اصالت مفهوم وطن به مثابه زادگاه و سرزمین مادری یک سر این طیف است که وطن را مفهومی فیزیکی ثابت، دائمی و تغییرناپذیر معرفی می‌کند (درزی‌نژاد، برادران جمیلی ۱۷).

شاید فضامندی میخائیل یا موقعیتش به عنوان فعالی سیاسی به تولید دشمنان بیشتری انجامیده است تا حدی که او دیگر نمی‌توانست در شرایط پس از جنگ زندگی را بدون آن‌ها تصور کند. بخش دوم خودزندگی‌نامه در دوران تبعید نوشته شده است یعنی زمانی که او به خاطر ترس از قربانی شدن به دست مقامات دولتی از عراق گریخت. حالا در شرایطی که دیگر در معرض سانسور تحمیلی نبود و برخلاف ارجاعات متعددی که تا این زمان به اساطیر و ژئوس می‌داد اکنون اسامی واقعی را در اشعارش به کار می‌گیرد. میخائیل در خودزندگی‌نامه‌اش اشاره می‌کند که:

لارسا عکس‌های قدیمی را پخش و پلا کرد و آن‌ها را با تصاویر جدید کلاژ کرد و او عکس‌های گلوله‌های برقی را در میشیگان با تصاویری از یک شهر حلقوی با دو رودخانه، و درختان نخل، شعر، جنگ‌ها و هزار و یک شب درآمیخت. خانه‌ی ما در آن شهر بود، و باغچه در خانه‌ی مان بود، و هیچ دیواری ما را از همسایه‌ها جدا نمی‌کرد، و در باغچه گلی رازقی بود که دیگر هیچ‌گاه نخواهم ببیند. (*خاطره‌ی موجی* ۱۲۳)

تحلیلی از نواحی حاشیه‌ای و جابجایی بین فضاها در *رویای بغداد زنگنه و خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریای میخائیل* از دریچه‌ی لنزی جغرافیایی-انتقادی، کمک می‌کند تا ساختار، بنیاد، و کارکرد جنگ را همچون مواردی مرتبط با محیط دربرگیرنده‌ی خودزندگی‌نامه‌های زنان از جنگ، برجسته سازیم. نقد جغرافیایی شاید مستقیماً

پسااستعماری نباشد، هر چند این کارها و آثار جغرافیای پسااستخراجی و نظریه‌ی فرهنگی است که علناً بر مفهوم تخطی استوار هستند. تحلیل رویکرد نظری به نقد جغرافیایی با بحث از برهم‌کنش بین «فضای هموار» و «فضای ناهموار» آغاز می‌شود. فضاهای ناهموار را در این معنا می‌توان بر الگوهای محدودکننده‌ی به کار بست که از جمله در بخش‌هایی از متن آشکار است که نویسنده بازداشت و یا در دوران زندگی‌اش در تبعید است، در حالی که فضای هموار بیانگر حرکت و جابجایی آزاد است آن گونه که در مفهوم فضای نمادین^۱ درج شده است (وستفال ۳۹). تالی در همین خصوص می‌نویسد:

نقد جغرافیایی پشتیبان امپراتوری احساس‌ها است و به بیانی رویکردی است چندحسی به مکان‌ها – مکان‌ها به معنای فضاهای ملموس یا واقعیت‌یافته. در بیشتر مواقع مکان‌ها را با چشمان مان ادراک می‌کنیم اما به نظر می‌رسد بهترین راه این باشد که حس کردن را طوری تنوع بخشیم که صداها، رایحه‌ها، مزه‌ها و بافت‌های مکان را نیز دربرگیرد. (نقد بوم‌شناختی و نقد جغرافیایی، ۲۰۱۶: ۲۳)

در اینجا تالی نشان می‌دهد که مکان‌ها را نمی‌توان صرفاً با چشمان تماشاگر درک کرد بلکه باید به کمک حواس تنوع‌یافته‌ی دربرگیرنده‌ی صداها، مزه‌ها و بافت‌های مکان از آن ادراک حاصل کرد. زنگنه در بخشی از کار خود روایت می‌کند که:

دیدم که نگهبان گورستان در حالی که در زیر سایه به دیواری تکیه داده خوابیده است. او استاد پرورش درختان نخل است. هر سال یکی از دهقانان محلی را استخدام می‌کند تا آن‌ها را هرس کند و هر سال این درختان نخل بهترین خرماها را تولید می‌کنند که البته هیچ کس به آن‌ها دست نمی‌زند. چه کسی جرات می‌کند چنین میوه‌ای را بخورد، میوه‌ای که در زمینی به بار نشسته است که پر است از اجساد انسان‌ها. (روایای بغداد ۳۸)

تفاوت بین فضاهای ناهموار و هموار در این مثال در این واقعیت نهفته است که گورستان به مردگان تعلق دارد، در حالی که آن‌هایی که زنده‌اند نمی‌توانند محصولات درخت نخلی را مصرف کنند که بر روی قبرها رشد می‌کند، وضعیتی که به سهم خود بیانگر تعارضی بین این دو نوع فضا با بافت‌های مختلف است. این گورها/قبرها

1. Nomadic space

مکان‌های ناهمواری هستند که مردگان را در خود جای داده‌اند در حالی که محیط اطراف گورستان، فضای همواری است که زندگی در آن جریان دارد. تعارض بین فضاهای ناهموار و هموار به سان دیدگاه گسترده‌تر نظریه‌ی نقد جغرافیایی در شیوه‌ای خود را آشکار می‌کند که زنگنه و میخائیل فاصله‌ی زمان و مکان را به منظور نگارش روایت حبس‌شان ترسیم می‌کنند. همان طور که تالی می‌نویسد:

نقد جغرافیایی مختصات هندسی و فلسفی زندگی را به هم پیوند می‌زند - زمان و فضا - در آرایشی فضایی زمانی. تحلیل جغرافیایی - انتقادی، مکان‌ها را در ژرفای زمانی قرار می‌دهد تا هویت‌های چندلایه را افشا یا کشف کند، و در عین حال تنوع زمانمند فضاهای ناهمگن را نیز برجسته می‌کند. (فضامندی، ۲۰۱۲: ۳)

مختصات هندسی زندگی در برگرفته‌ی زمان است در حالی که این فضاها هستند که مختصات فلسفی زندگی به شمار می‌روند. فضاهای اقتدار و حکمرانی، که بازتابنده‌ی فضای ناهموار به شمار می‌روند، قلمرو استعمارگری و سلطه‌گری/امپریالیسم است، که ساختار مرکز یا حاشیه را همچون سلسله‌مراتبی ایستا برقرار می‌کند. به این ترتیب، فضای هموار بر خلاف فضای ناهموار ضرورتاً به فضای مقاومت و آزادی تبدیل می‌شود (گروتز ۳۷). در شرح و ستفقال از تخطی، فضای هموار مزیت یافته و ستوده می‌شود زیرا که این مفهوم است که تخطی را ابراز می‌کند که همان تحرک هم‌دامنه^۱ است. از دید و ستفقال، گوهر مقاومت را باید بر اساس جغرافیا و فضا فهمید، به تعبیری که آن را نه همچون کنش منفرد خودانگیخته بلکه همچون وضعیت نوسان دائمی‌ای تلقی کرد که تخطی نامیده می‌شود. به گفته‌ی زنگنه و میخائیل همه‌ی قواعد، ساختارها، مرزها و تثبیت‌شدگی‌ها باید حذف شوند تا امکان حرکت را به آن‌ها اعطا کرد. به نظر کانت، زمانی که انسان چیزی را ادراک می‌کند این درک پیشاپیش بر حسب زمان و فضا نمایان می‌شود، در حالی که زمان و فضاها چیزهایی افزوده نیستند که باید ادراک شوند. کانت همچنین فرضیه‌ای را طراحی می‌کند که خرد انسانی را نمی‌توان در جهان همان گونه که واقعاً هست درک کرد بلکه فقط می‌توان آن را آنگونه که ادراک می‌شود فهمید. برای مثال «فضا نه چیزی ابژکتیو و واقعی است و نه جوهر، تصادف یا رابطه، فضا در عوض ذهنی و ایده‌ای است، فضا برآمده از ماهیت ذهن است» (کانت ۳۹۷).

1. Coextensive mobility

از منظر اکثر جغرافی‌دان‌ها، بحث‌های اساسی درباره‌ی مکان با فضا و فضا‌مندی آغاز می‌شود. دورین ماسی^۱ فضا را محصول درهم‌تنیدگی‌هایی تلقی می‌کند که به واسطه‌ی برهم‌کنش‌های عظمت امر جهانی و امر عمیقاً کوچک^۲ تشکیل می‌شود (سون ۳۴). «فضا سپهر امکان وجود چندگانگی است و این برآمده از تکرر همزمان است، فضا سپهری است که در آن خط سیرهای متمایز می‌توانند همزمان و در کنار هم وجود داشته باشند» (ماسی ۳۴). خودزندگی‌نامه‌های جنگ نشان می‌دهند که درهم‌تنیدگی‌های بین محکومان و حاکمان ماهیت فضایی را که در آن زندگی می‌کنیم تعیین می‌کنند. برای مثال میخائیل نشان می‌دهد که سیاست‌مدار چنین می‌گوید: «تعمیرکار می‌گوید: ماشین لباس‌شویی‌ات خراب شده است. بهتر است که به جای تعمیر آن کلاً تعویض کنی. سیاست‌مدار هم بر همین سیاق می‌گوید کشورت از هم پاشیده است در نتیجه آسان‌تر آن است که به جای بازسازی‌اش، کلاً جایگزینش کنی» (خاطره‌ی موجی ۱۲۰).

به گفته‌ی وستفال، فضای هموار قلمرویی است که امکان برهم‌کنش ناهمگنی و همگنی را در خود دارد، در حالی که از دید ماسی پیش‌وجود بودن چندگانگی است که به نحوی متقابل افزون بر روابط فضایی، فضا را نیز شکل می‌دهد. زنگنه رویاهای زمان‌هایی را که دشوارترین دوران زندگی‌اش بوده اند، از جمله دوران حبسش در ابوغریب، به هم پیوند می‌دهد، فضایی که در آن برای عراق آن روزها رویا و برنامه‌ای دارد، فضایی که از آن به جهان ناخودآگاهش گریخته، و در عین حال عاری از سلطه‌طلبی، دیکتاتوری، و شکنجه است.

فضا-زمان‌مندی روایت‌های زنانه‌ی ژئوپلیتیکی در رویای بغداد

همان‌طور که تالی یادآور می‌شود: «بی‌تردید جابجایی‌های عظیم جمعیت‌ها – تبعیدی‌ها، مهاجران، پناهندگان، سربازان، مدیران، کارآفرینان/کاسب‌کاران، و کاوش‌گران – سطحی از جابجایی/تحرك را آشکار می‌کند که تاکنون تصورناپذیر بود. این جابجایی‌ها بر تفاوت جغرافیایی تاکید می‌کنند؛ یعنی دیگر نمی‌توان مکان فرد را پیشاپیش بدیهی فرض کرد» (نقد بوم‌شناختی و نقد جغرافیایی، ۲۰۱۶: ۳۴). چنین موقعیتی را می‌توان با زندگی زنان خودزندگی‌نامه‌نویس جنگ‌های ایران و عراق، و آمریکا و عراق از جمله روایات زنگنه

1. Doreen Massey

2. Intimately tiny

و میخائیل از جنگ مقایسه کرد. جابجایی و تغییر مکان^۱ که چیزی بیش از ریشه‌داشتن^۲ صرف در مکان است اهمیت روابط فضایی را در تلاش‌های انسانی برای تفسیر و تغییر جهان برجسته می‌کند. در همین معنا، سازماندهی و اختلال‌های ژئوپلیتیکی در زمان پساجنگ مستلزم آن است که توجه بیشتری به ماهیت مشخصاً سیاسی جغرافیایی معطوف شود زیرا پیش از این نیروهای استعمارزدا و نیز نواستعمارگر نشان دادند که فضاهای نقشه همواره محل مناقشه‌اند. زنگنه و میخائیل با ارائه‌ی توصیف‌های فراوان از مکان‌هایی مانند عراق و ایران و امریکا به نوعی موضوعات مرتبط با تعارض‌های ایدئولوژیک را به مخاطب نشان می‌دهند.

این واقعیت را که فضامندی نقشی جدید در تاریخ انسانی پیدا کرده است نمی‌توان کم‌اهمیت جلوه داد؛ زیرا چنین برداشتی پیامدهای اساسی برای نظریه و عمل به دنبال دارد. زنان خودزندگی‌نامه‌نویس پساجنگ عراقی نشان می‌دهند که چرخش فضایی در نظریه و نقد ادبی مدرن و پسامدرن در واقع تاییدی است بر این که مفاهیم فضا، مکان، و نقشه‌پردازی در ادبیات متعارف به نحوی شایسته در روایات جنگی بازنمایی نشده‌اند. به این ترتیب این سبک‌های نوشتاری دربرگیرنده‌ی شیوه‌های بدیعی از نگرش به جهان پس از جنگ هستند. برای مثال زنگنه می‌نویسد:

در ساعت دو بعد از ظهر روز دستگیریم در منطقه‌ی باب‌المعظم بغداد هستیم. می‌توانم خطوط تاکسی‌های به‌صاف‌شده را در گرمای تابستان ببینم که رانندگانشان در حال فریادزدن هستند. رانندگان این تاکسی‌ها در کافه‌ها و رستوران‌ها و حتی در اتاقک‌های ایستگاه‌های اتوبوس پناه گرفته‌اند، که آکنده از زنان و کودکان از یک سو و بطری‌ها از سوی دیگرند. آن‌ها به سوی بیمارستان کودکانی می‌روند که در آن نزدیکی‌ها است. بطری‌هایی که همه‌ی بیماران باید تهیه کنند قرار است با داروهای تجویز شده پر شوند. آیا این موج گرما است که این تصویر را در ذهن من به طور مبالغه‌آمیزی بزرگ می‌کند یا تخیلم؟ (روایای بغداد ۳۶)

زنگنه اینجا تجربه‌های خود را به موازات فضا و مکان ترسیم می‌کند. همین گرمای طاقت‌فرسا به واسطه‌ی موج جنگ نیز تولید می‌شود، همان گرمای ویرانگری که باعث

1. Displacement

شده است تا رانندگان تاکسی در رستوران‌ها پرسه بزنند، زیرا جنگ کسب‌وکارشان را به طور چشم‌گیری کساد کرده است. زنگنه می‌نویسد: «از خیابان می‌گذرم تا زیر اندک سایه‌ی دیوارهای بلند زندان راه بروم. با وجود گرما به آرامی قدم برمی‌دارم تا عبا زیر پایم گیر نکند و زمین نخورم. با این حال بارها سکندری می‌خورم و زبان به لعنت می‌گشایم چرا که مجبورم در سفر به کشورم عبا بر سر کنم. با خود فکر می‌کنم زمانی که به گورستان برسم شاید بتوانم از شرش خلاص شوم» (رویای بغداد ۳۷). در این جا زنگنه پس از ده سال زندگی در تبعید به کشور زادگاهش بازگشته و همچنان این فشار محیط اطراف است که دست از سرش برنمی‌دارد. او در توصیفاتش خیابان‌های خالی را از عواقب جنگ می‌داند. زنگنه سایه‌های دیوارهای بلند زندان زادگاهش را بقایای ویرانی‌های جنگ میانگارد؛ همان زندانی که زمانی برای شکنجه و کشتار فعالان سیاسی که مخالف حکومت صدام حسین بودند استفاده می‌شد. او حضور خود را در این خیابان‌های خونین با حضور خود در گورستان مقایسه می‌کند چرا که تمام دوستانش در نتیجه‌ی شکنجه در همین خیابان‌ها کشته شدند. او در ادامه چنین می‌نویسد:

همه‌ی فکر و ذکرمان حصارکشی بود. فرزندانمان نه در مزارع بلکه در پشت دیوارها بزرگ می‌شوند، آن‌ها در وضعیتی پا به جوانی و بهار زندگی‌شان می‌گذارند که دیوارهایی که اگرچه گویی آن‌ها را به آرامی در آغوش گرفته‌اند، اما باغچه‌ها، نورهای رنگارنگ، و فواره‌ها را از دیدشان پنهان می‌کنند. هر بار که در دوران جوانی به خانه‌ی جدیدی می‌رفتیم مادرم اصرار داشت که حصارهای بلندتری دورتادور خانه بکشیم تا خود را از چشم‌های کنجکاو در امان داریم. (رویای بغداد ۳۷)

اینجا می‌بینیم که این فقط زندان‌ها نیستند که با دیوارهای بلند احاطه شده‌اند بلکه خانه‌های شهروندان نیز به همین منوال در خفقان مطلق به سر می‌برند. دیوارهای بلند در واقع محدودکننده‌ی حرکت مردم هستند. دیوار به این ترتیب بر مبنای نظریه‌ی ارجاع برای اشاره به جداشدگی و انزوا از مناطق دیگر یا برای مرزبندی و علامت‌گذاری بین دو فضا در این متن به کار گرفته می‌شود.

جغرافیاهای ادبی: فضامندی، بازنمایی، و روایت در رویای بغداد و خاطرات موجی دورافتاده از دریا

سبک ارجاعی سبکی است که نویسندگان، ابژه‌ها، مکان‌ها و فضاها را با استفاده از واژگان نام‌گذاری می‌کنند؛ به ویژه مکان‌هایی را که نویسندگان زن در طول جنگ در پیوند با آن‌ها بوده‌اند و نیز فضاهایی که این زنان با مشارکت فعالانه در جنگ اشغال کرده‌اند. خودزندگی‌نامه‌نویس همانند نقشه‌پرداز قلمروی مورد بحث را پیمایش و خصیصه‌های فضای مورد نظر را تعیین می‌کند پیش از آنکه بدانند کدام نقاط از اهمیت بیشتر و یا کمتری برخوردارند. نقشه نه تنها تصویری است هندسی مانند شبکه، و آرشیوی تصویری، بلکه تجلی مکانی در قالب واژگان است. همان طور که تالی از پیتروچی^۱ نقل می‌کند «داستان‌گویی مستلزم نقشه‌نگاری است، جایی که روابط بین فضا و نوشتار گرایش به تولید مکان‌ها و روایت‌های جدید دارند» (تورچی نقل‌شده در تالی ۲۰۱۲: ۱۱). میخائیل در این معنا در نقش نقشه‌پرداز ظاهر می‌شود چرا که روایت او از جنگ محصول روابط بین فضاها و نوشتار است. برای مثال او چنین می‌نویسد: «صف‌های طولانی در برابر ما قرار دارند. در حالی که ایستاده‌ایم و خورشید را در میان رگهای مان توزیع می‌کنیم. در حالی که در صف ایستاده می‌خواهیم و طراحان نقشه‌هایی را برای قبرهای عمودی در سر می‌پروراندند چرا که ما همین طور ایستاده هم خواهیم مرد» (خاطره‌ی موجی ۳۴).

میخائیل در اینجا موقعیتی جنگی را آنگونه به تصویر می‌کشد که خواننده تنها با خواندن متن می‌تواند نقشه‌ی این موقعیت خاص را در ذهن مجسم کند بی آنکه خودش در آن صحنه حاضر بوده باشد. زنگنه نیز اینگونه روایت می‌کند: «افراد بسیار دیگری را نیز به اتاق آوردند. همه‌ی آن‌ها شکنجه شده بودند و صورت‌های‌شان کاملاً از ریخت افتاده بود به طوری که من تنها قادر بودم با صدای‌شان آن‌ها را بشناسم. اتاق کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شد» (رویای بغداد ۲۹). این متن حس ترس و وحشت را تشدید می‌کند چرا که زنگنه در روایتش فضای اتاق‌هایی را که قربانیان در آن‌ها زندانی بودند پیوسته کوچک و کوچک‌تر ترسیم می‌کند زیرا بیشتر فعالان سیاسی به دست حکومت کشته می‌شدند.

مساله‌ی غامض برای زنگنه این بود که در نوشته‌اش بین دو گزینه دست به انتخاب

1. Peter Turchi

بزند: اینکه خواننده را شکنجه کند و او را با روان‌زخم‌های خود همراه کند یا احساسی از آنچه که در آن فضا زمان خاص رخ داده است به او منتقل کند که این دومی در واقع دورنمای گسترده‌تری است که نظریه‌ی جغرافیایی بدان معطوف است. در این حالت در واقع می‌توان گفت که عامل جلوبرنده‌ی نویسنده در زمان نگارش، این تجربه‌ی روایی است که نقشه/طرح می‌تواند قدرت‌مندتر از نقاشی عمل کند. با این حال نقشه‌ای که او درباره‌ی وقایع شکنجه، طرح اولیه‌اش را برای مخاطبانش ترسیم می‌کند، برای ایجاد تصویری حقیقی، که همان فرایند نقشه‌نگاری به واسطه‌ی واژگان است، کفایت می‌کند.

تولید فضا و بازنمایی‌های فضا در روایای بغداد و خاطره‌ی موجی دورافتاده از دریا

لوفور معتقد است که فضا امری خنثی و منفعل نیست، بلکه تولیدی (اجتماعی) است. پس فضا عرصه‌ی تقابل و تنازع نیز هست. همچنین برخلاف نظریه‌های دیگر که سه وجه فضا را از هم تفکیک می‌کنند و یا فضا را تنها فیزیکی می‌پندارند، لوفور فضا را در سه لحظه‌ی دیالکتیکی همزمان یعنی ادراک، تصور و زیست تحلیل می‌کند (نقل شده در رجبی و سخنور ۱۸۱). به گفته‌ی لوفور هر شیوه‌ی تولیدی فضای خاص خودش را تولید می‌کند. تولید فضا فرایندی تک‌علیتی آن‌طور که برای مثال در ساختارگرایی یا پدیدارشناسی می‌بینیم نیست؛ بلکه فرایندی چندظرفیتی است که از چارچوب دیالکتیکی درهم‌تنیده‌ی کنش‌های انسانی تشکیل شده است. برای مثال، رژیم دیکتاتوری در عراق محصول کنشی انسانی بود که به قدرت‌رسیدن حزب بعث را دربرمی‌گرفت، در حالی که شکنجه‌ی زندانیان سیاسی در سلول‌های زندان محصول کنشی انسانی بود که کنش‌های افرادی مانند زنگنه و میخائیل را در مخالفت با همان رژیم دیکتاتوری شامل می‌شد. چرخش فضایی در علوم اجتماعی و نیز در ادبیات عمدتاً مرهون این برداشت از فضا است که هرگز صرفاً پس‌زمینه یا صحنه‌ای برای وقوع رویدادها یا ظرفی خالی که باید با کنش‌ها و چیزها پر شود نیست. فضا هم محصول و هم تولیدکننده است همچنان که واقعیت‌هایی را برای مخاطبان تولید می‌کند.

نظریه‌ی تولید فضا نظریه‌ای است که به فضای شاعرانه/آفریننده یا فضای تخیل می‌پردازد. بی‌تردید این بدان معنی نیست که این نظریه فضاهای واقعی را نادیده می‌گیرد. برای مثال احساس تنهایی در زندگی در تبعید نمونه‌ای از فضای ذهنی/تخیلی است که

نمی‌توان آن را در قالب واژگان فضاهای واقعی توصیف کرد و مستلزم تکنیک‌های روایی فضای تخیلی است. همچنان که در اثر میخائیل می‌بینیم نقشه‌کشیدن در واقع فعلی است که به خط سیر یک شعر مرتبط است، جایی که جغرافیای شعر به بهترین شکل شیوه‌ای را که خوانندگان می‌بایست با صداها/افکار تولیدشده درگیر شوند جمع‌بندی می‌کند. در متن میخائیل می‌توان دید که پرسش‌های مربوط به «چه کسی» به صداها و آوایی تبدیل می‌شوند که به طور تفکیک‌ناپذیری به فضا‌مندی خاصی متصل‌اند. در شعر، درهم‌تنیدگی تنگاتنگی بین چه کسی و کجا وجود دارد، نوعی نقشه‌نگاری با استفاده از نقالی^۱ است که سوژه یا شخصیت داستان در شعر به «چه کسی» و مکان یا فضایی که او اشغال می‌کند به «کجا/چه جایی» تبدیل می‌شود.

مورخ فرانسوی فرانسوا هارتوگ^۲ نشان می‌دهد که روایت‌گرها و نویسندگان پیمایش‌گران و نقشه‌پردازان قلمرویی هستند که تمایل به توصیف آن دارند، جایی که آن‌ها به تناوب مولفه‌های مختلفی را با هم درمی‌آمیزند تا از این راه روایت‌ها و توصیف‌هایی را از مردم یا مکان‌ها، افزون بر تصاویر برآمده از مشاهدات دست اول، تولید کنند (۷۸). روایت به این ترتیب درست همانند نقشه امکان خلق تصویری از جهان را به خوانندگان می‌دهد. زنگنه برای مثال اینگونه روایت می‌کند:

خانه‌ها در کردستان یکجا در یک زمان ساخته نمی‌شدند. خانواده با ساختن یک اتاق و توالت و آشپزخانه شروع می‌کرد و سپس هر زمانی که پول لازم را در اختیار داشت اتاق دیگری به خانه اضافه می‌کرد و کار را با کمک همسایگانش از سر می‌گرفت. گاهی اتاق جدید که هنوز تکمیل نشده بود به خاطر دیوارهای کوتاهش به محلی برای پناه سگ‌ها تبدیل می‌شد. نصب درها و پنجره‌ها معمولاً ماه‌ها به طول میانجامید زیرا مصالح لازم برای آن‌ها از شهرهای دور دست می‌آمد. (رویای بغداد ۲۰)

در اینجا زنگنه ابتدا با تحقیق درباره‌ی جهان اطرافش و پیش از طرح‌ریزی‌اش در قالب روایت یک مکان، به نقشه‌نگار تبدیل می‌شود. زنگنه در اینجا به توصیف شهری به نام زینو^۳ در مرز ایران و عراق می‌پردازد. خواننده‌ی متن در نتیجه با مختصات قرارگیری

1. Vocalic poem

2. Francois Hartog

3. Zino

زینو و اینکه ساکنانش چگونه بر ماهیت آن مکان تأثیر می‌گذارند آشنا می‌شود. خواننده می‌تواند دریافت درستی از تاریخ رخ داده در آن مکان خاص به دست آورد بی آنکه به طور فیزیکی در آن حضور داشته باشد.

زنان خودزندگی‌نامه‌نویس جنگ عراق، آگاهانه یا ناآگاهانه آنچه را که آنری لوفور «تولید فضا» و «بازنمایی‌های فضا» می‌نامد به مثابه یکی از نظریه‌های ژئوپلتیکی برای روایت جنگ در نوشته‌های‌شان به کار می‌گیرند. فضای شاعرانه/آفریننده فضایی است که می‌توان در آثار زنگنه و میخائیل یافت. برداشت لوفور از علم فضا این است که این علم بازنمایی امر سیاسی در بستر غرب و با استفاده‌ی نوسرمایه‌دارانه از دانش است، به طوری که دانش در چنین نظامی به نحوی کمابیش بی‌واسطه با نیروهای تولید درهم‌تنیده و یکپارچه شده و در واقع به بخشی از روابط اجتماعی تولید تبدیل شده است. لوفور می‌گوید: از دید برخی متخصصان حتی بیماری و دیوانگی نیز فضای خاص خودشان را دارند. ما به این ترتیب با تنوعی تمام‌ناشدنی از فضاها مواجهیم که هر یک روی یا درون فضای جغرافیایی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی، جامعه‌شناختی، بوم‌شناختی، سیاسی، ملی، و قاره‌ای دیگر انباشته شده است (۸۵). در پی چرخش فضایی، خود نظریه به عرصه‌ای بنیادی برای مطالعات فضا‌مندی تبدیل شده است. برای مثال دیوید هاروی در این خصوص می‌نویسد:

زیر رویه‌ی عرف عام و ایده‌های به ظاهر طبیعی درباره‌ی فضا و زمان، عرصه‌های پنهان ابهام، تضاد و مبارزه نهفته است. تعارض‌ها صرفاً از برداشت‌های ذهنی مختلف ناشی نمی‌شوند بلکه از این نیز سرچشمه می‌گیرند که گویی کیفیت‌های مادی عینی متفاوتِ زمان و فضا به زندگی اجتماعی در موقعیت‌های مختلف مرتبطند. مبارزات مهمی به همین ترتیب افزون بر مبارزات در سطح عملی، در قلمروهای نظریه‌ی علمی، اجتماعی، و زیبایی‌شناختی رخ می‌دهند. (۲۰۵)

میخائیل می‌گوید: «لرزه‌های پیاپی زیر پای‌تان قابل احساس است گویی دستانی نامرئی شبانه‌روز در حال تکان دادن درختان حیاط خانه‌اند» (خاطره‌ی موجی ۴۵). در اینجا او بمباران‌ها را همچون لرزه‌ها و تکان‌ها ترسیم می‌کند تا وضعیت پرتنش را به تصویر بکشد که بی‌شک از عواقب جنگ است. روایت میخائیل تصویری شاعرانه و

فضامند از روان زخم‌های جنگ و تبعید است که بیانگر تأثیرات سانسور بر کارش نیز هست که ماهیت فضایی سکونتش را در عراق متأثر ساخته است.

نتیجه‌گیری

تمرکز این مطالعه بر دوره‌ای است که از ۱۹۸۰ تا اولین سال‌های هجوم امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را شامل می‌شود. هیفا زنگنه و دنیا میخیایل دو خودزندگی‌نامه‌نویس عراقی محسوب می‌شوند که نه تنها به واسطه‌ی تکنیک‌های ادبی متفاوت و نیز نوع متفاوت روایت شخصی از جنگ، دنیای ادبیات جنگ را چه در نوشتار مردانه و چه در نوشتار زنانه دستخوش تحولات اساسی کرده‌اند. این بدان معنا است که همچنان که وستفال تاکید می‌کند، توصیف فضاهای روایی واقعی و تخیلی جنگ چنان درهم‌تنیده است که باعث ایجاد نوعی نگاه روایی شخصی متفاوت می‌شود که زنان خودزندگی‌نامه‌نویس عراقی ابداع‌گران آن هستند. استدلال این مقاله این است که زنگنه و میخیایل با اتکا بر توصیف دقیق و با جزئیات شهر بغداد نوعی رویکرد نقد جغرافیایی را پیش برده‌اند به طوری که شهر همچون مولفه‌ای اساسی در بازسازی روایی فضاهای جنگ به کار گرفته شده است. استفاده از فضاهای روایی خالی که سابقاً هرگز در معرض دید روایات مردانه قرار نگرفته بود این بار در آثار زنگنه و میخیایل به شکلی برجسته مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به این ترتیب سبک روایی متفاوتی را عرضه می‌کنند.

مفهوم تخطی در روایت را در آثار زنگنه و میخیایل می‌توان اینگونه تفسیر کرد که حالا دیگر روایت‌ها صرفاً بازگوکننده‌ی دیدگاه‌های شخصی نویسندگان نیستند بلکه با دربرگرفتن روایت‌های فضامند در تلاشند تا شکاف بین امر ذهنی/سوبژکتیو و عینی/ابژکتیو را پر کنند. از طرف دیگر تفاوت‌هایی بین روایت‌های زنگنه و میخیایل وجود دارد. این تفاوت‌ها برآمده از توپوگرافی‌های تخیلی و بازنمایی‌های واقعی این دو نویسنده از شهر بغداد است. به نحوی که همان‌طور که اشاره شد این دو نویسنده دو سبک متفاوت نظم و نثر را هم برای نقشه‌نگاری بغداد و هم برای توصیف جزئیات آنچه در جنگ بر بغداد گذشته است انتخاب کرده‌اند. این روایت‌های فضامند و ارجاعات متعدد به جزئیات بغداد نگاه ادبی خاصی را به این دو نویسنده اعطا کرده است که حتی می‌توان این آثار را به انکای آن در دسته‌ی آرشیو تاریخی نیز در نظر گرفت. از دید مالو «خودزندگی‌نامه‌های جنگ درباره‌ی هنر یا زیبایی‌شناسی نیستند بلکه نشان‌دهنده‌ی

هزینه‌ی واقعی‌ای هستند که جنگ بر انسان‌ها تحمیل کرده است» (مالو ۱۶). در انتها، قراردادن این خودزندگی‌نامه‌ها در دسته‌ی ژانر ادبی و یا آرشیو تاریخی، موضوعی است مناقشه‌برانگیز زیرا همچنان که و ستفال می‌گوید حقیقتِ روایی حقیقتی است ذهنی/سوبژکتیو، و حقیقت ذهنی/سوبژکتیو چیزی نیست بجز یک بازنمایی از آن که جایی در بین امر ذهنی/سوبژکتیو و عینی/ابژکتیو قرار دارد.

Géopolitique Parle-Femme: Iraqi Female War Memoirists

Farideh Shahriari¹·Leila Baradaran Jamili²

Abstract

Introduction

This research employs a comparative study design to analyze the political, sociological, and physiological impacts that Iraq-Iran and Iraq-America war had in shaping the literary approach that the Iraqi female war memoirists use. The Iraqi war memoirists including Haifa Zangana and Dunya Mikhail try to bring out the violent effects of the oppressive space as considered the concept of subjectivity, which they live. The Iraqi war memoirists portray themselves as authoritative spears in the war whether they were acting as civilians or soldiers to overcome the aggression, where they take a transgressive move by attacking gender roles and taking up masculine roles such as leading activists' groups. The current research is based on the premise that from a geopolitical point of view, Zangana and Mikhail are found to rewrite the scripts of war as a reflection of the gendered experiences, while they open up new

1. Ph.D. Candidate of English Language and Literature, Department of English Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, English Literature Department, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

approaches to the themes of war in literature and narrative.

Background of the studies

Kelly Robin Adams in her doctoral dissertation "Literature Practices in Women's Memoirs of the Civil Rights Movement" (2012) researched the literate practice in women's memoirs of the Civil Rights Movement, where the researcher highlights the participatory roles that women played in the movement including their ability to act publicly in a movement remembered mostly for its male leaders. On the other hand, Johnson M. Alison in his book, Histories of War: Representations of Silence in Woman's Vietnam/American War Narratives (2016) draws on the feminist rhetorical theories of silence, listening, and praxis to interrogate traditional psychoanalytic through thought by investing how America, Vietnamese, and Vietnamese-American women who experienced the war provide a different model for narrating the war and coping with trauma. On her part, Amy Kathleen Sininger with The Truth in Comedy: Representations of Postfeminist Success and American Culture in Women's Comedic Memoirs (2015) researched on the representations of postfeminist success and American culture in women's comedic memoirs. The researcher carried out an in-depth analysis of how the increasing prominence of comedic memoir is indicative of American cultural changes, particularly concerning women and feminists, as women prove to dominate the genre. Consequently, Jenny Young Kijowski in Gender and Trauma from World War I to the War in Iraq: Narrative in the Aftermath of Loss (2015) analyzes the theme of gender and trauma from World War I to the war in Iraq. The studies portrayed are correlated in some way because they provide the avenues with which the authors could express their experiences with the war while taking a transgressive

move to portray themselves as an agent of destruction of the symbolic order that privilege the masculine in literature.

Materials and Discussions

The variations in the geopolitical orientations of the Iraqi female war memoirists provides readers with the information about how the space they occupied influenced their selection of language and style of approaching about the war events in the Iraq-Iran and America-Iraq war. These geopolitical orientations form the foundation for the selection of the theoretical perspectives that can be used to read Iraqi female war memoirs. This research employs “Geocriticism” approaches by theorists like Bertrand Westphal and Robert Tally, and philosophers like, Henri Lefebvre with his Production of Space to analyze the relation existing between the subjects and space in literary terms with critics such as Hélène Cixous the concept of écriture feminine. This research essentially aims to comparatively analyze the two mentioned war memoirs by employing three main Geocritical concepts: Referentiality, Spatiotemporality, and Transgressivity.

Conclusion

From a Geocritical approach, the Arab female war memoirists are found out to rewrite the scripts of the Iraq-Iran and the Iraq-American war as a reflection of the gendered experience, where they open up new approaches to the theme of war in the literary world. The audience of the studies can, therefore, track the foundation for creating knowledge in terms of how space, land, and spatiality within the jurisdiction of Arab female war memoirists influences their style of approach in portraying the events of the war.

Key Words: *Bertrand Westphal, Geocriticism, Henri Lefebvre,*

Iraqi Female War Memoirists, Referentiality, Saptiotemporality, Transgressivity

References

- Adams, Kelly Robin. "Literature Practices in Women's Memoirs of the Civil Rights Movements." Diss. New York: Arizona State University, 2012.
- Anderson, Donald, ed. *When War Becomes Personal: Soldier's Accounts from the Civil War to Iraq*. Iowa City: U of Iowa P, 2008.
- Cixous, Hélène. *Le rire de la Méduse : et autres ironies*. Galilée. London: Routledge, 2010.
- Darzinejad, Ensieh and Leila Baradaran Jamili, "The Translocality of Home in Mohja Kahf's Diasporic Discourse". *Critical Language and Literary Studies*. Vol.14, No. 19, Autumn and Winter 2018.
- Emmer, Janal. "Comparison of Narratives: American Veterans of the Vietnam War and the Operation Iraqi Freedom" University of Wisconsin. Web. 2 Jan 2015.
- Grosz, Elizabeth. *Space, Time and Perversion: Essays on the Politics of Bodies*. New York: Routledge, 2018.
- Hartog, François. *The Mirror of Herodotus: The Representation of the Other in the Writing of History*. No. 5. New York: University of California Press, 1988.
- Harvey, David. *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Conditions of Cultural Change*. New York: Prenticehall, 1990.
- Haynes, Samuel Alfred. *Land of Freedom*. Belize: National Anthem, 1963.
- Jelinek, Estelle C. *The Tradition of Women's Autobiography from Antiquity to the Present*, Woodbridge: Twayne Publishers, 1986.
- Johnson, Alison M. *Histories of War: Representations of Silence in Women's Vietnam/American War Narratives*. New York: The

- University of North Carolina, 2016.
- Kant, Immanuel. *Critique of Pure Reason*. New York: Cambridge University Press, 1999.
- Kijowski, Jenny Young. *Gender and Trauma from World War I to the War in Iraq: Narrative in the Aftermath of Loss*. New York: The University of North Carolina, 2015.
- Lefebvre, Henri. *The Production of Space*. Trans. Donald Nicholson-Smith. Oxford: Blackwell, 1991.
- Linh Che, Cathy. Interview with Dunya Mikhail, *New Directions*, 2010.
- Madani, Saeed, and Fariba Nazari. "Examination of the Influence of Mainstream Discourse on Iran-Iraq War". *Journal of Social Sciences*. Vol; 1, No. 4, Winter 2008.
- Malo, Jean-Jacques. ed. *W.D. Ehrhart in Conversation: Vietnam, America and the Written Word*. North Carolina: McFarland and Company, Inc., Publishers, 2017.
- Massey, Doreen B., John Allen, and Philip Sarre, eds. *Human Geography Today*. New York: Cambridge University Press, 1999.
- Mikhail, Dunya., Winslow, Elizabeth. *Diary of a Wave Outside the Sea*. New York: New Directions Publishing, 2009.
- Rajabi, Erfan and Jalal Sokhanvar. "Literary Techniques and the Everyday Rhythms as Practices of Production of Space in Don DeLillo's *Zero K*" *Critical Language and Literary Studies*. Vol. 15, No. 21, Autumn and Winter 2019.
- Ryden, Kent. *Mapping the Invisible Landscape: Folklore, Writing and the Sense of Place*. Iowa: University of Iowa Press, 1993.
- Salimi, Mino. "Anthropological Study of Feminine Narratives from the Imposed War Era". *Woman and Culture Journal*. Vol. 15, No. 21, Autumn 2018.
- Schmid, Christian. "Henri Lefebvre's theory of the production of space: Towards a three-dimensional dialectic." *Space, Difference*,

Everyday Life. Routledge, 2008. 41-59.

Sinninger, Amy Kathleen. *The Truth in Comedy: Representations of Postfeminist Success and American Culture in Woman's Comedic Memoirs*. Hanover: Dartmouth College, 2015.

Soja, Edward W. *Postmodern Geographies: The Research of Space in Critical Social Theory*. London: Verso, 1989.

Tally Jr, Robert T. *Spatiality*. New York: Routledge, 2012.

Tally Jr, Robert T., and Christine M. Battista, eds. *Ecocriticism and Geocriticism: Overlapping Territories in Environmental and Spatial Literary Studies*. New York: Springer, 2016.

Tally Jr, Robert T., ed. *The Geocritical Legacies of Edward W. Said: Spatiality, Critical Humanism, and Comparative Literature*. New York: Springer, 2015.

Westphal, Bertrand. *Geocriticism: Real and Fictional Spaces*. New York: Springer, 2011.

Zangana, Haifa. *Dreaming of Baghdad*. New York: The Feminist Press, 2009.